# فراموشی فضای قرائات بعد از قرن دهم و سنگین شدن بحث

تازه‌گی خدمت یکی از بزرگواران عرض کردم، خوب است که در درس حوزوی مثل سیوطی و جامع المقدمات، در ابتدای طلبگی رسم المصحف و شاطبیه را قرار بدهند. خب ایشان با اینکه سال‌ها در فضای حوزه بودند و خیلی پر کار بودند، گفت شاطبیه چیست! فرمودند که من اصلاً شاطبیه را نشنیدم. یعنی این جور احساس نیاز هست، یعنی وقتی آدم شاطبیه را نشنیده آن وقت فضاها فضاهای سنگینی می‌شود.

این را عرض کنم که فضای بحثی که الآن داریم از نظر بحثی خیلی سنگین است. یعنی این جور نیست که سریع بخواهیم بگوییم تمام شد. مرحوم آقای اراکی در ۱۰۶ سال عمر مبارکشان، مشغول علم و تحقیق بودند و سر و کارشان با کتاب بود. شاگرد مرحوم آشیخ عبد الکریم حائری هم بودند. می‌خواهم سنگین بودن فضای علمی این بحث را عرض کنم. من عباراتی را از حاج شیخ عبد الکریم و شاگردشان آقای اراکی می‌خوانم، شما ببینید چطور زدن این اعزه که در فضای علم فحولی هستند، مطلب قطعی است؛ می‌گویند که بی خودی تردید نکنید. یکی از آن‌ها برای مرحوم آشیخ عبد الکریم است. من عبارت ایشان را از کتاب الصلاتشان می‌خوانم.

> في حال تواتر القرائات: أقول يمكن ان يقال ان القرآن عبارة عن الألفاظ المنزلة و اما الحركات المختلفة الجارية على حسب القواعد فلا مدخلية لها في صدق عنوان القران نظير الوقف و الوصل من العوارض الشخصية للكلام مما لا يوجب اختلافها زوال الاسم و انتفاء المسمى ثم ان تواتر القرائات السبع مما لم يثبت بل ثبت خلافه خصوصا إذا كان الاختلاف في المادة أو الصورة النوعية للكلام بحيث يكون موجبا لانقلاب مادة الكلام عرفا سواء تغير المعنى كما لو أم لا كالاختلاف في كلمة كفوا إذ من المعلوم ان المنزل على النبي صلّى اللّه عليه و آله ليس متعددا و يدل عليه اخبار أهل بيت العصمة عليهم السّلام ايضا مثل ما رواه الكليني بإسناده عن ابى جعفر عليه السّلام قال عليه السّلام ان القرآن واحد نزل من عند الواحد و لكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة[1]

«**ثم ان تواتر القرائات السبع مما لم يثبت بل ثبت خلافه**»، بعد می‌فرمایند خصوصا وقتی اختلاف در ماده و صورت باشد که مغیر معنا است. بعد مثال جالبی می‌زنند: «**بحيث يكون موجبا لانقلاب مادة الكلام عرفا سواء تغير المعنى كما لو أم لا كالاختلاف في كلمة كفوا**»؛ «کُفُؤاً»، «کُفؤاً»، «کُفُوًا». درست است که معنا تغییر نکرده اما ماهیت لفظ

تغییری کرده. در «مالک» و «ملک» هم که معنا تغییری کرده است. این را می‌فرمایند. ادامه آن را در فدکیه آورده‌ام. البته در ادامه هم نکات خوبی هست. فضایی است که آدم ناچار می‌شود. خب مثل حاج شیخ اینطور می‌فرمایند. در ادامه می‌فرمایند:

«**إذ من المعلوم**»؛ این را حاج شیخ می‌گویند، من طلبه نمی‌گویم.«**ان المنزل علی النبي صلّى اللّه عليه و آله ليس متعددا**»؛ این دیگر چیز معلومی است. این فضای عبارت مرحوم حاج شیخ است.«و يدل عليه اخبار أهل بيت العصمة عليهم السّلام»؛ که شروع می‌کنند احادیث حرف واحد را می‌آورند.

مرحوم آقای آملی در شرح عروه خود، می‌گویند: «كان شيخنا الحائري يحتاط[2]»، در نماز ره دو را می‌خواندند. ایشان می‌گویند به نظرم این احتیاط درست نیست، باید دو نماز بخواند، نه اینکه در یک رکعت ره دو را بخواند. البته قبل از آن ایشان می‌گویند: «**مبني‌ا علی إجماع ال أساس له**»؛ این اجماعی که صحبت از آن بود، ایشان می‌گویند «ال اصل له». برخورد تند با اجماعی که بحث ما در آن است، دارند.

---

[1]الصلاة حائری ص۱۳۶

[2]المعالم المأثورة في شرح كتاب العروة الوثقى؛ ج۴ ص۲۵۱؛ اما القراءة بالنصب كما في القرآن تبعاً للقراء السبع أو العشر فالوجه له لان مدرك القول بأنه يجب القراءة على طبق قرائته يكون مبنيا على إجماع ال أساس له كما سيأتي البحث فيه في باب الصلاة عند البحث عن القراءة و اذا يجب الاحتياط في صورة الشك في الصدور إذا لم يكن على مقتضى قواعد العربية و كان شيخنا الحائري (قده) يحتاط في سورة الحمد في كلمة «مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» فيقرء تارة هكذا و اخرى يقرء«ملك يوم الدين» و ان كان هذا الاحتياط في صلاة واحدة ال يكفي عندي بل يجب ان يكون في صلوتين.

---

بازبینی #2
ایجاد شده 29 آوریل 2024 13:41:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 13:26:26 توسط ... .